



۲۰۲۳/۰۱/۱۷

پاینده محمد اکبری / جغرافیه / گذر

معرفی باغ علی مردان، شهر کهنه کابل در قاموس کبیر افغانستان

هنگامیکه شاه جهان در سال ۱۶۳۹ میلادی بخاطر اجرای امور به کابل رسید، علی مردان خان حاکم سابق قندهار را حاکم کابل مقرر نمود. علی مردان از قدرت و ثروت که در اختیار داشت در اعمار و سرسبزی شهر کابل و احداث باغ بزرگ در ساحه وسیع با آبادی های زیبا، حمام و تعمیر چارچته مشهور را در بالای پل خشتی و سرچوک متصل مسجد پل خشتی الی بازار ریکا خانه که بزرگترین مرکز خرید و فروش و تجارت مردم کابل به شمار میرفت، بناء نهاد، چارچته در سال ۱۸۴۲ بخاطر انتقام جوئی قتل مکناتن از طرف انگلیسها سوختانده شد.

گذر باغ علیمردان در میان باغ ها قرار داشت و یکی از محلات معروف کابل آن زمان بود.

پس از انتقال پایتخت از قندهار به کابل، سرداران و شاهزادگان در جوار خانه های که علی مردان خان اعمار نموده بود، برای خود منازلی احداث کردند که به همان نام (باغ علیمردان) معروف شد.

این گذر در جنوب دریای کابل قرار دارد که از پل خشتی الی پل قلعه محمود خان و از طرف شمال، حصه دوم جاده میبوند، شرق آن مسجد عیدگاه موقعیت دارد. گذر باغ علی مردان کوچه ها و گذرهای که بطرف شرق چارچته موقعیت داشتند چون قصاب کوچه ، کوچه چرمگرها، کوچه نداف ها، بوریا فروشی، پایان چوک، بازار ریکاخانه و سر حوض ریکاخانه، کوچه محمدزائی ها و کوچه میرقمرالدین و عقب مسجد عیدگاه رابه هم وصل نموده بود.

گذر مرادخانی در کنار دیگر دریا و مقابل گذر باغ علیمردان قرار دارد. این دوگذر توسط پلی به هم ارتباط داده شده که در گذشته ها برای عبور و مرور هر شخص یک پیسه (یک پول) رایج همان زمان گرفته میشد و بهمین سبب این پل بنام پل (یک پیسه گی) یاد میشد.

وقتی از پل یک پیسه گی داخل گذر باغ علیمردان میشدی دواخانه عباسی و برج برق نظرت را جلب میکرد در داخل گذر حمام و کوچه ها و دالان های سرپوشیده که خانه ها با دروازه های کندن کاری شده و زنجیر یا حلقه های سنگین مزین بود، توجه را جلب میکرد. در راه بوریا فروشی کوچه باریکی بود که شخص ی بنام کاکه چوچه زندگی میکرد و قفس های زیاد جل داشت. در داخل گذر باغ علیمردان برای رفع ضروریات مردم دکان های بقالی، نانوايي، ترکاری، دکان های چرم گری، و محوطه های چوب و ذغال فروشی ، کباب چوپان خلیفه نظر و حاجی چوپان وسایردکانها موجود بود.

در همه کوچه ها و گذر های کابل منجمله در باغ علی مردان هم، شیوه هم کوچه بودن و پرنسیپ های " شیرآغا و شریین گل" مراعات میشد پسران جوان بالینکه از گوشه و کنار بام ها هنگام بام خوابی ، کاغذپران بازی یا در وقت پراندن کفترها چشم به یکدیگر می انداختند ولی اگر شخص بیگانه ای " خدا ناخواسته " داخل حریم کوچه میشد، بسیار خوش می بود که زنده از آن کوچه برآید.

به صفحه قاموس کبیر افغانستان خوش آمدید

د پانو شميره: له 2 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همكاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړيکه ټينگه كړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليكني د ليكنيزي بني پازوالي د ليكوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليكنه له راليرلو مخكي په خير و لولئ